

بررسی فقهی تعلق سود به حساب‌های بانکی از منظر ماهیت حقوقی آنها؛ با تأکید بر حساب‌های کوتاه‌مدت عادی

نوع مقاله: پژوهشی

علیرضا لشکری^۱

سید روح الله مشیری^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۱۹

چکیده

شناخت موضوعات اجتماعی در حال تغییر همواره یکی از چالش‌های اساسی پیش روی فقه و حتی اقتصاددانان بوده است. از سوی دیگر، یکی از وجوه پویایی فقه شیعه، موضوع‌شناسی نوبه‌نو و مداوم پدیده‌های اجتماعی است. یکی از این پدیده‌ها، حساب‌های بانکی است که از گذشته تاکنون مورد کنکاش علمی اندیشمندان اسلامی بوده است. با پیشرفت تکنولوژی و ورود ابزارهای پرداخت الکترونیکی به عرصه بانکداری، بعضاً موجب تغییر ماهیت این حساب‌ها شده و در نتیجه، حکم فقهی آنها را نیز تحت شعاع خود قرار داده است؛ بنابراین در این تحقیق، با روشی تحلیلی-توصیفی بعد از شناخت ماهیت انواع حساب‌های بانکی (با تأکید بر حساب کوتاه‌مدت عادی) از جهت صحت یا عدم صحت تعلق سود بانکی، مورد نقد و نظر قرار گرفتند و در نهایت، این نتیجه به دست آمد که مطلقاً تعلق سود به حساب‌های کوتاه‌مدت عادی جایز نیست؛ چه مشتری قصد سود کرده باشد و چه قصد سود نکرده باشد.

کلمات کلیدی: حساب‌های بانکی، اقتصاد اسلامی، بانکداری بدون ربا، حساب کوتاه‌مدت

طبقه‌بندی JEL: K12, O33, Z12, B59, G21

askr110@gmail.com

^۱ استادیار پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم

Moshiry_m@yahoo.com

^۲ دانش‌آموخته دکتری اقتصاد بین الملل، دانشگاه مفید، قم (نویسنده مسئول)

مقدمه

سپرده‌های بانکی را می‌توان از یک منظر به سپرده‌های جاری و مدت‌دار تقسیم کرد. منظور از سپرده‌های جاری سپرده‌هایی هستند که اختیار هزینه کردن لحظه‌ای آن‌ها در اختیار مشتریان بانک است؛ به خلاف سپرده‌های مدت‌دار که مشتریان نمی‌توانند هر لحظه که بخواهد از آن‌ها استفاده کنند، بلکه استفاده از آن‌ها نیازمند انجام مراحل است که در طی آن، این سپرده‌ها به سپرده‌های جاری و یا سکه و اسکناس تبدیل خواهند شد و در این صورت است که مشتریان می‌توانند از آن‌ها استفاده کنند. حال، تصور حاکم بر ادبیات بانکی این است که سپرده‌های کوتاه‌مدت عادی، از قبیل سپرده‌های مدت‌دار به شمار می‌روند و لذا احکام فقهی سپرده‌های مدت‌دار را بر این سپرده‌ها جاری شده است.

یکی از این احکام، صحت تعلق سود به حساب‌های کوتاه‌مدت عادی است. پذیرش این سود، در مناسبات بانک مرکزی و بخشنامه‌های آن، چنان مفروض گرفته شده است که گویا هیچ شک و شبهه‌ای درباره آن وجود ندارد. به عنوان مثال بانک مرکزی طی بخشنامه ۹۹/۱۲۶۶۴۲ در تاریخ ۱۳۹۹/۴/۲۸ نرخ سود این سپرده‌های بانکی را ۵ درصد اعلام می‌کند. و مطابق مصوبه جلسه مورخ ۱۳۹۷/۹/۲۰ شورای پول و اعتبار ابلاغی طی بخشنامه شماره ۹۷/۳۴۴۳۳۶ مورخ ۱۳۹۷/۱۰/۱، معیار پرداخت سود علی‌الحساب سپرده‌های سرمایه‌گذاری کوتاه‌مدت عادی را به‌جای روزشمار به ماه‌شمار تبدیل می‌کند^۱ و گویا اصل این قضیه صحیح بوده و تنها مسئله، روزشمار یا ماه‌شمار بودن آن بود.

بسیاری از اندیشمندان تفاوتی بین این نوع از حساب‌ها و حساب‌های کوتاه‌مدت ویژه و بلندمدت لحاظ نکرده‌اند و همه را به یک صورت بررسی نموده‌اند؛ لذا طبق پیش‌فرضی که داشتند، آن‌ها ماهیتاً یکسان هستند و صرفاً زمان نگهداری آن‌ها متفاوت است؛ یکی کوتاه‌مدت و یکی بلندمدت. بنابراین بدون لحاظ مشخصات دیگر، یک حکم کلی درباره آن‌ها داده‌اند. در حالی که همان‌طور که خواهد آمد، این حساب‌ها ماهیت کاملاً متفاوتی دارند و تفاوت آن‌ها صرفاً در زمان اخذشده در قرارداد نیست. با این دیدگاه، بعد از بیان پیشینه تحقیق، ماهیت و حکم پرداخت سود انواع حساب‌های جاری قرض‌الحسنه، کوتاه‌مدت عادی، کوتاه‌مدت ویژه و بلندمدت را مورد بررسی قرار می‌دهیم تا در نهایت، مروری بر نتایج تحقیق داشته باشیم.

نکته‌ای که باید مدنظر قرار داد این است که این تحقیق، در مورد موضوعات بالفعل، واقعی و تحقق‌یافته بانکداری موجود است نه آنچه بالقوه می‌تواند باشد؛ یعنی محل بحث این نوشتار،

^۱ <https://www.cbi.ir/showitem/26458.aspx>

فروض و امکان‌های پیش‌روی بانکداری ایران نیست بلکه موضوعی مورد نقد و نظر قرار داده شده است که در واقعیت خارجی اتفاق افتاده است و از این‌رو این تحقیق را باید با چنین نگاهی دید.

پیشینه

در مورد ماهیت و حکم تعلق سود به حساب‌های کوتاه‌مدت (عادی و ویژه) و حساب‌های بلندمدت، نظرات متفاوتی مطرح شده است. یک دسته به طور مطلق تعلق سود به این حساب‌ها را جایز می‌دانند.^۱ دسته دیگری مانند آیت‌الله مکارم شیرازی ضمن تصریح به حلیت تعلق سود به حساب‌های مدت‌دار، تصریح می‌کند که به علت ماهیت قرض‌الحسنه بودن حساب‌های جاری نمی‌تواند به آن‌ها سودی تعلق پذیرد؛ مگر آن‌که مشتری قصد سود نکند و بانک با رضایت خاطر پرداخت کند.^۲ گروه دیگری مانند موسویان (۱۳۸۳) نیز اساساً ضمن تفکیک این حساب‌ها از حساب‌های مدت‌دار نه تنها آن‌ها جایز می‌داند بلکه آنان را تجویز نیز می‌نماید.

توضیح این‌که در ابتدای اجرای قانون بانکداری بدون ربا اساساً به سپرده‌های پس‌انداز سودی تعلق نمی‌گرفت و تنها حساب‌های مدت‌دار بودند که مشمول تعلق سود می‌شدند. اما در سال‌های بعد، به دلیل برخی کارکردهای اقتصادی پیشنهاد ایجاد «سپرده پس‌انداز با سود معین» از سوی بعضی از صاحب نظران مطرح شد. موسویان (۱۳۸۳) در توضیح این سپرده می‌گوید: «ماهیت حقوقی این سپرده وکالت عام خواهد بود. سپرده‌گذار به بانک وکالت می‌دهد و وجه او را همراه وجه دیگر این سپرده، فقط از طریق عقود با بازده معین (فروش اقساطی، اجاره به شرط تملیک، جعاله و تنزیل)، اعطای تسهیلات کرده، بعد از کسر درصدی برای حق‌الوکاله و هزینه‌های عملیاتی، بقیه را به صاحب سپرده بپردازد» (موسویان، ۱۳۸۳: ۵۰). ایشان در پایان پیشنهاد خود برای اصلاح حساب‌های بانکی می‌گوید: «مدتها بود نظام بانکی درصدد یافتن راه‌حل فقهی برای اعطای سود به سپرده‌های پس‌انداز و جبران کاهش قدرت خرید سپرده‌ها در اثر تورم بود و برای این منظور همایش ویژه‌ای نیز برگزار شد؛ اما راه‌حل قابل قبول فقهی پیدا نشد؛ چراکه مشهور فقیهان از جمله حضرت امام خمینی (قدس سره)، پرداخت هر نوع زیاده در قرارداد قرض‌الحسنه را ربا می‌دانند. با روش پیشنهادی، موضوع تغییر می‌یابد و پرداخت سود در قرارداد وکالت را همه فقیهان می‌پذیرند» (موسویان، ۱۳۸۳: ۵۳).

^۱ از جمله می‌توان به تسخیری (۱۳۸۰)، شهیدی (۴/ feqh3shahi/home/mfeb.ir/https) و عمده مراجع که

نظرات آن‌ها در سایت انجمن مالی اسلامی منعکس شده است

(sepordebanks/4258/item/estefaat/0feghh/pajooesh/index.php/fa/iaif.ir/https) اشاره کرد.

^۲ https://makarem.ir/ahkam/fa/home/istifta/257489/

بعد از این دوران بود که حساب‌های جاری عادی خلق شدند. اما تغییرات تکنولوژی و استفاده گسترده از ابزارهای پرداخت الکترونیکی موجب شده است که ماهیت این حساب‌ها تغییر کند و بنابراین دیگر نمی‌توان بر همان موضوع‌شناسی سابق پافشاری کرد و با نگاه سنتی مبتنی بر بانکداری دفترچه‌ای، به این حساب‌ها نظر کرد و حکم فقهی آن‌ها را بیان داشت؛ در نتیجه لازم است که با رشد تکنولوژی و نوبه‌نو شدن موضوعات، فتاوا و احکام متناسب با آن‌ها نیز به‌روزرسانی شوند تا از این رهگذر، به فقه پویاتری در حوزه بانکداری بدون‌ربا برسیم.

انواع حساب‌های بانکی

اگرچه طبق ماده سوم از فصل دوم قانون عملیات بانکی بدون ربا، سپرده‌های بانکی به سپرده‌های قرض‌الحسنه (پس‌انداز و جاری) و سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار تقسیم می‌شود که طبق تبصره این ماده، در سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار، بانک وکیل در استفاده از آنها در امور مشارکت، مضاربه، اجاره بشرط تملیک، معاملات اقساطی، مزارعه، مساقات، سرمایه‌گذاری مستقیم، معاملات سلف و جعاله است.^۱ باین‌وجود، آنچه که در عمل مرسوم شده این است که سپرده‌های بانکی را به سپرده‌های جاری قرض‌الحسنه، سپرده‌های کوتاه‌مدت عادی، سپرده‌های کوتاه‌مدت ویژه و سپرده‌های بلندمدت تقسیم می‌کنند و بانک برای هرکدام احکام متفاوتی قائل است. در ادامه، هریک از این حساب‌ها را ابتدا از منظر بانک و سپس از منظر ماهیت حقوقی بررسی می‌کنیم تا در هنگام بررسی فقهی تعلّق سود به این حساب‌ها از منظر ماهیت حقوقی آنها، راه صواب را طی کرده باشیم.

حساب‌های جاری قرض‌الحسنه

سپرده‌هایی که از یک سو به آن‌ها سودی تعلّق نمی‌گیرد؛ لذا از عنوان «قرض‌الحسنه» استفاده می‌کنند^۲ و از سوی دیگر با استفاده از ابزارهای پرداخت، دسترسی آئی مشتریان به آن‌ها فراهم است و در نتیجه، عنوان «جاری» را درمورد آن‌ها به کار می‌برند. اگرچه طبق تعریف این حساب‌ها، سود به آن‌ها تعلّق نمی‌گیرد و لذا اساساً خارج از محل بحث این تحقیق هستند، ولی فهم ماهیت این نوع حساب‌ها کمک شایانی در فهم ماهیت حساب‌های کوتاه‌مدت عادی و در نتیجه شناخت

^۱ <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/90388>

^۲ البته همچنان‌که به درستی گفته‌اند، به کارگیری واژه قرض‌الحسنه در سپرده‌های پس‌انداز بانکی که صاحبان آن‌ها به اغراض دیگری چون حفظ و نگهداری وجوه، کسب درآمد و امثال آن به سراغ بانک می‌روند، بی‌معناست (هادوی‌نیا، ۱۳۷۸: ۴۷-۵۲).

احکام شرعی مترتب بر آن‌ها می‌کند؛ بنابراین ابتدا مروری کوتاه بر ماهیت حساب‌های جاری خواهیم داشت و سپس به ماهیت حساب‌های کوتاه‌مدت عادی می‌پردازیم.

ماهیت حقوقی

مانند هر پدیده مدرن، پول‌های الکترونیکی را نیز باید از جهت خاص خودش نگاه کرد و نباید آن‌ها را در چارچوب‌های گذشته دید. این پول‌ها دو جنبه دارند: از آن جهت که مردم از آن‌ها استفاده می‌کنند، کاملاً از حالت بدهی بودن خارج شده‌اند و خود به پول مستقلی در کنار سکه و اسکناس تبدیل شده‌اند. نگاه اقتصاددانان، حقوق‌دانان و عرف به این حساب‌ها این امر را تأیید می‌کند.

قابطه اقتصاددانان معاصر سپرده‌های جاری را از مصادیق پول می‌دانند و لذا همانند میشکین آن‌را به‌عنوان یکی از اعضای مهم M1 معرفی می‌کنند (میشکین، ۲۰۱۹: ۱۰۶) و تصریح می‌کنند که بانک‌ها از طریق وام‌دهی بانکی، سپرده ایجاد می‌کنند و از این سپرده‌ها به‌عنوان پول استفاده می‌شود (نایتو، ۲۰۲۰: ۱۳۲). تبیین پول بودن سپرده‌های بانکی از نظر اقتصاددانان روشن است؛ زیرا طبق تعریف کارکردگرایی پول، این حساب‌ها از یک سو تمام وظایف پول یعنی «وسیله مبادله»، «ذخیره ارزش»، «واحد شمارش» و «کالای عام» بودن را دارند و از سوی دیگر، دارای تمام ویژگی‌های پول اعم از «دوام»، «امنیت»، «انتقال‌پذیری» و «تقسیم‌پذیری» نیز هستند. لذا تفاوت ماهوی و کارکردی بین این پول‌ها و اسکناس وجود ندارد؛ چراکه اسکناس‌ها هم، زمانی نماینده مقدار مشخصی از طلا بودند و سپس از این حالت خارج شدند خود به پول مستقل (نه رسید) تبدیل شدند. اگر دیگر تعاریف پول را در نظر بگیریم، بازهم طبق مبنای فلزگرایی می‌توان گفت این سپرده‌های جاری به یک کالا و مال اعتباری تبدیل شده‌اند؛ بر اساس تبیین سندگرایی نیز این سپرده‌ها که سند بدهی بانک‌ها هستند، مورد پذیرش عموم قرار گرفتند و به یک اعتبار عمومی در دست صاحبان آن‌ها تبدیل شده‌اند. به عبارتی، هرگاه بدهی دولت یا هر ناشر معتبر، تبدیل به پول مناسبی شود، دیگر نباید آن‌را به‌عنوان بدهی در نظر گرفت؛ زیرا ماهیت یک بدهی قابل اجرا، چیزی غیر از خود آن بدهی است، در حالی که این حساب‌ها خودشان به ابزار مبادله تبدیل شده‌اند (کرگل، ۲۰۱۹: ۹۰).

و اما از نظر حقوق‌دانان، طبق چارچوب‌های حقوقی، از آن‌جا که اعتبار هر دو نوع پول (اسکناس و حساب‌های الکترونیکی) از یک منشأ ناشی می‌شوند و هر دو را بانک مرکزی تضمین اعتبار کرده است، تفاوت حقوقی باهم ندارند و صرفاً دونوع و دومصدق از پول هستند (عبدی‌پور، ۱۳۹۸: ۸۱). نگاه عرف نیز یک نگاه کارکردی و عمل‌گرایانه است. عرف وقتی می‌بیند همیشه از همین پول می‌توان استفاده کرد و نه تنها هیچ‌گاه نیاز به تبدیل آن به اسکناس احساس نمی‌کند، بلکه

انگیزه‌های بیشتری برای تبدیل اسکناس به این نوع پول‌ها را دارد، در عمل خود آن‌را به‌عنوان پول می‌شناسد نه بدهی بانک. در عرف، عبارات‌هایی همچون «انتقال پول از طریق کارت به کارت» به کار برده می‌شود، نه انتقال بدهی یک بانک؛ حتی اگر به آن‌ها گفته شود این حساب‌ها بدهی بانک هستند، بازهم در رفتار و عمل عرف تغییری ایجاد نمی‌کند. به عبارتی، باید توجه داشت که نیاز مردم به پول، یک نیاز اصیل نیست و پول به‌خودی‌خود هیچ فایده برای دارنده آن ندارد، بلکه فایده پول، واسطه‌گری در مبادلات و امکان ذخیره ارزش اقتصادی است؛ از این رو آن‌چه برای مردم مهم است، کارکرد پول است نه شکل و جنس آن. برای مردم اهمیتی ندارد جنس پول از طلا باشد، یا کاغذ و یا چند عدد و رقم ثبت شده در حساب بانکی؛ آن‌چه اهمیت دارد این است که نگهداری پول از امنیت کافی برخوردار بوده و در مبادلات به‌سادگی قابل انتقال به غیر باشد.

و اما جنبه دومی که حساب‌های الکترونیکی دارند، این است که از آن جهت که بانک مرکزی و دیگر بانک‌ها با آن‌ها مواجه می‌شوند، آن‌را بدهی بانک صادرکننده می‌دانند و لذا در مبادلات بین بانکی و تبادل بانک‌ها با بانک مرکزی، کارایی ندارند؛ به همین علت، پدیده‌ای به نام بدهکار شدن بانک و ورشکستگی معنا پیدا می‌کند؛ چراکه اگر این حساب‌ها از هر جهت پول باشند، ورشکستگی بانک معنا ندارد. مثلاً اگر بانکی دارای دستگاه چاپ اسکناس باشد، تحت هیچ شرایطی بدهکار و ورشکسته نمی‌شود.

با این توضیحات می‌توان گفت سپرده‌های بانکی، نوعی «پول خصوصی» هستند که هر بانک به‌طور مستقل و با شناسنامه خاص خود آن‌را ایجاد می‌کند. هرچند در عملیات ترازنامه‌ای همچنان در قسمت بدهی ثبت می‌شوند؛ چنان‌که پول انتشارشده از ناحیه بانک مرکزی نیز هنوز هم در قسمت بدهی ثبت می‌شود، با این‌که دیگر بدهی واقعی بانک مرکزی نیستند. از آن‌جا که عرف جامعه تفاوت پول صادرشده توسط بانک «الف» و بانک «ب» را نمی‌داند و اساساً به لحاظ کارکردی، چون این تفاوت را به رسمیت نمی‌شناسند -چراکه بانک مرکزی همه آن‌ها را تضمین کرده است- همه را یکسان می‌پندارند و لذا نه‌تنها بین آن‌ها و اسکناس تفاوتی نمی‌بیند بلکه به دلایلی که مطرح شد، امروزه آن‌ها را بر اسکناس نیز ترجیح می‌دهند. ولی چون برای خود بانک‌ها و بانک مرکزی تفاوت این پول‌ها یک تفاوت مهم و کارکردی است -چراکه تضمین بانک مرکزی فقط شامل همه بخش‌های اقتصاد به‌جز خود بانک‌ها می‌شود- لذا بانک‌ها، این پول‌ها را به‌عنوان پول صادرکننده همان بانک می‌دانند؛ یعنی یک نحوه «پول خصوصی» است که هر بانک مستقلاً صادر می‌کند. از این جهت مانند ارزهای کشورهاست که برای مردم همان کشور اعتبار دارد ولی برای دیگر کشورها به‌خودی‌خود اعتبار ندارد، مگر به واسطه قراردادهای بین‌المللی شدن یک ارز به واسطه مقبولیت عمومی.

به این جهت این حساب‌ها را «یک نحوه» یا «یک نوع» پول خصوصی می‌دانیم که آن‌ها به اعتبار بانک مرکزی پول شده‌اند و از این جهت با پول‌های خصوصی دوران گذشته و پول خصوصی مورد ادعای مکتب اقتصادی اتریش متفاوت است؛ چراکه پول بودن آن‌ها به ارزش ذاتی و گاهی به اعتبار خود ناشران‌شان بود؛ بنابراین ما با یک سلسله مراتبی از پول‌ها طرف هستیم که در رأس این هرم، پول دولتی قرار دارد و در پایین آن، پول‌های خصوصی صادر شده از ناحیه بانک‌های خصوصی قرار دارند. شاید منظور مینسکی (۱۹۸۶) از بیان سلسله مراتب پول همین بود که گفت اگر پول بدهی باشد، هرکسی می‌تواند پول منتشر کند. اگرچه پول، به عنوان یکی از اقلام ترازنامه، یک دارایی برای دارند و یک بدهی برای ناشر آن است. ولی مسئله حائز اهمیت، ظرفیت ایجاد بدهی نیست، بلکه توانایی القای این اندیشه به دیگران برای نگهداری آن است. پول‌های مختلف درجات پذیرش متفاوتی دارند، که نشان‌دهنده ترتیب سلسله مراتبی بدهی‌ها است (مینسکی ۱۹۸۶: ۲۲۸).

با این توضیحات روشن شد که هنگامی که مردم از بانک اسکناس دریافت می‌کنند، در واقع یک نوع پول را داده‌اند و نوع دیگری را گرفته‌اند و بالعکس، هنگامی که با تحویل اسکناس به بانک، حساب جاری خود را افتتاح می‌کنند یا افزایش موجودی می‌دهند، بازهم یک نوع پول را داده‌اند و نوع دیگری را گرفته‌اند. در واقع با افتتاح حساب جاری از طریق پرداخت اسکناس، نوعی پول (پول کاغذی بانک مرکزی) تحویل می‌دهند و نوع دیگری از پول (پول خصوصی بانکی) را تحویل می‌گیرند و اگر افتتاح حساب به سبب فروش یک دارایی غیرپولی مثل فروش ملک به بانک باشد، ملکی داده شده و پول خصوصی آن بانک را تحویل گرفته است؛ لذا از اساس نه ودیعه‌ای در کار است و نه وکالت و یا هر عنوان مشابهی مانند قرض و شبه آن؛ تنها مبادله‌ای میان دو نوع پول اتفاق افتاده است.

حساب‌های کوتاه‌مدت عادی

در حالت کلی، به سپرده‌هایی که با مدت‌زمان کمتر از یک سال نزد بانک به امانت گذاشته می‌شوند سپرده کوتاه‌مدت گفته می‌شود. حساب کوتاه‌مدت عادی به آن دسته از سپرده‌های بانکی گفته می‌شود که به آن سود تعلق می‌گیرد و در عین حال بدون هیچ‌گونه محدودیتی امکان برداشت و واریز روزانه را به مشتری می‌دهد. سودی که برای این نوع سپرده در نظر گرفته شده، بسیار کمتر از سودی است که به سپرده بلندمدت اختصاص یافته، اما در عوض دارنده این حساب مجاز است تا عملیات روزانه بانکی خود را با کارت بانکی، تلفن بانک و سامانه‌های اینترنتی انجام دهد.

با این تعریف روشن می‌شود که این حساب‌ها در واقع مصداقی از حساب‌های جاری هستند؛ چراکه امروزه با پیشرفت تکنولوژی و وصل شدن این حساب‌ها به ابزارهای آنی مانند کارت بانکی،

عملاً تفاوت آنها با حساب‌های جاری قرض‌الحسنه، تفاوتی صوری و اسمی خواهد بود. در واقع، حساب‌های جاری دوگونه مصداق دارند: الف) حسابی که به آنها سود تعلّق نمی‌گیرد که از این حساب‌ها به حساب‌های قرض‌الحسنه تعبیر می‌کنیم و ب) حساب‌هایی که به آنها سود تعلّق می‌گیرد که آنها را «حساب‌های کوتاه‌مدت عادی» می‌خوانیم؛ بنابراین به‌لحاظ ماهیت خارجی تحقق‌یافته این دو حساب، دو نوع حقیقی نیستند بلکه دو مصداق از یک نوع حساب (حساب جاری) هستند که به یکی سود تعلّق نمی‌گیرد و به دیگری تعلّق می‌گیرد.

ممکن است گفته شود که در روابط حقوقی و فقهی، زمان ملاک نیست؛ لذا یک کالا را می‌توان در آن واحد خرید و فروخت که در این صورت، مالکیت به نحو لحظه‌ای منتقل می‌شود. از طرف دیگر «العقود تابعه للقصد» در مورد قصد طرفین در این حساب‌ها، اگر سپرده سرمایه‌گذاری در قالب وکالت باشد؛ چنان‌که قانون عملیات بانکی بدون ربا بدان اشاره کرده، وکالت از امور قصديه و جایز است و موکل یا وکیل حتی لحظه‌ای بعد از قرارداد می‌توانند طرف مقابل را عزل و وکالت را فسخ کنند. در پاسخ باید گفت که در این تبیین تغییرات تکنولوژیکی در نظر گرفته نشده و گمان کرده امروز بانکداری همانند گذشته است که مشتری پولی را در اختیار بانک قرار می‌دهد تا بانک به وکالت از مشتری با آن کار اقتصادی انجام دهد، در حالی که با توجه به تغییرات تکنولوژیکی بیان شد که اساساً یک نحوه تعویض پول صورت می‌گیرد که چنان‌که توضیح آن خواهد آمد، مبتنی بر این نگاه اساساً وکالت بانک صحیح نیست.

ماهیت حقوقی

با توضیحاتی که در بخش تعریف گفتیم، روشن می‌شود که ماهیت حقوقی این حساب‌ها نیز همانند حساب‌های جاری قرض‌الحسنه بوده و از این جهت هیچ تفاوتی با هم ندارند و چنان‌که بیان شد، صرف اینکه تحت دو نوع عقد هستند کافی نیست؛ چراکه نشان داده شد آنها به لحاظ موضوع‌شناسی تفاوت ماهوی ندارند و لذا در این مورد نیز تنها تعویض پول صورت می‌گیرد؛ با این تفاوت که بانک می‌خواهد در قبال پول الکترونیکی مشتری، مبلغی به آن پرداخت کند که حکم فقهی آن را در قسمت بعد بررسی خواهیم کرد.

حکم پرداخت سود

قبل از پرداخت به حکم مسئله ابتدا مروری کوتاه بر قاعده حرمت «اکل مال بالباطل» می‌کنیم. این قاعده فقهی از آیه ۲۹ سوره نساء به‌دست آمده است. خداوند متعال می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ»؛ ای اهل ایمان! اموال یکدیگر را در میان خود به باطل [و از راه حرام و نامشروع] مخورید، مگر آنکه تجارتی از روی خشنودی و

رضایت میان خودتان انجام گرفته باشد. این قاعده بیان‌گر آن است که انتقال ثروت باید در مقابل فایده مشروع و دارای ارزش انسانی باشد؛ یعنی هیچ ثروتی را نمی‌توان بیهوده (از راه باطل) از دیگران تملک کرد و به مصرف رساند (مطهری، ۱۳۸۵: ۱۹/۱۹). حال سؤال این‌جاست که ملاک باطل بودن چیست؟ طبق نظر مشهور فقها، عرف تشخیص دهنده ملاک بطلان است. به‌عنوان مثال طبق نظر مرحوم شیخ انصاری این آیه بر حرمت هر چیزی که عرفاً باطل باشد، دلالت دارد مانند: اخذ و تملک مال غیر بدون اذن صاحبش (الانصاری، ۱۴۱۵ق: ۲۰/۵). امام خمینی رحمه‌الله در همین رابطه می‌فرمایند: مراد از باطل، معنای عرفی و عقلایی است، چنان‌که ظاهر همه عناوین اخذ شده در موضوع احکام همین است (الخمینی، ۱۴۲۱ق: ۱۰/۱)؛ شبیری زنجانی نیز باطل بودن را در نظر عقلا مهم می‌داند (شبیری زنجانی، ۱۴۱۹ق: ۳۴۷۵/۱۰). هرچند این معنا، باطل شرعی را نیز دربر می‌گیرد؛ با این وجود چون محل نزاع در مورد باطل عرفی است، این مطلب (شامل شدن موارد بطلان شرعی) مفروغ‌ عنه بوده است.

قائلین به عرفی بودن ملاک تشخیص باطل، اشکالاتی را به قول مقابل مطرح نمودند که به‌اختصار به بعضی از آن‌ها اشاره می‌کنیم.

۱. اگر همانند محقق اردبیلی □ ملاک احراز بطلان را شرع بدانیم، دیگر در موارد شک نمی‌توان به این آیه تمسک نمود؛ زیرا چنین تمسکی، تمسک به عام در شبهه مصداقیه خواهد بود که احتمال ضعیفی است (الخمینی، ۱۴۲۱ق: ۱۰/۱).
۲. اگر نتوان الفاظی که در ابواب معاملات وارد شده را بر مفاهیم عرفی آن‌ها حمل نمود، در این صورت استدلال به عمومات باب معاملات جایز نخواهد بود (مکارم شیرازی، ۱۴۲۵ق: ۷۸).

۳. اگر مراد بطلان شرعی باشد، این آیه نیز همانند «اطيعُوا اللَّهَ و اطيعُوا الرَّسُولَ» می‌شود که تأکیدی بر همان ادله باطل‌های شرعی است و یک قاعده جدید تأسیس نمی‌کند. یعنی از همان ادله حرمت ربا و رشوه روشن می‌شود که نباید از آن‌ها استفاده کرد و نیازی به این بیان جدید و تمسک به آن نیست. درحالی که در روایات بسیاری برای اثبات حرمت این افعال، به این آیه تمسک شده است.

بنابراین معنای آیه این است که هر نوع تصرف مالکانه‌ای که نحوه انتقال ثروت، غیرعقلایی باشد و عرف آن را باطل بداند، جایز نیست. اکنون با توجه به این مفهوم باطل (ملاک بودن عرف برای تشخیص باطل)، می‌توان گفت مبلغی که بانک در قبال این حساب‌ها می‌پردازد به دو صورت قابل تصور است:

۱. بانک این مبالغ را در قالب هدیه و به جهت تشویق برای بیرون نبردن این حساب‌ها از بانک به مشتریان پرداخت می‌کند؛ همانند اتفاقی که در جوایز حساب‌های قرض‌الحسنه می‌افتد. اگرچه در این صورت، در نگاه بدوی مشکل خاصی به نظر نمی‌رسد ولی بسیار روشن است که بانک این مبالغ را در قالب هدیه پرداخت نمی‌کند؛ زیرا اولاً عرف چنین درکی از این مبالغ ندارد و ثانیاً با وجود این که درصد سود بیان می‌شود، اگر بانک بخواهد آن را در قالب هدیه پرداخت کند، روشن است که صوری بوده و صرفاً الفاظ را تغییر داده است. ثالثاً در خود قرارداد بانک و بخشنامه‌های بانک مرکزی در مورد این حساب‌ها به سود بودن آن‌ها تصریح شده است؛ لذا این فرض، فرض قابل دفاعی نیست.

۲. بانک این مبالغ را در قالب سود عقود مشارکت پرداخت می‌کند. اما باید بدانیم این که بانک را به عنوان وکیل سپرده‌گذاران به حساب آوریم تا از سپرده‌های آن‌ها در پرداخت تسهیلات استفاده کند، وکالت صحیحی نیست؛ زیرا بانک تسهیلات را در محل سپرده‌ها نمی‌پردازد بلکه آن‌ها را خلق می‌کند. بانک از سپرده‌ها تنها در جهت تودیع ذخیره قانونی نزد بانک مرکزی و یا تسویه تراکنش‌ها در بازار بین‌بانکی استفاده می‌کند نه برای دادن تسهیلات (کميجانی و همکاران، ۱۳۹۷: ۳۱-۳۲). اینکه گفته شود در این صورت نیز باز هم تسهیلات به پشتوانه این حساب‌های وکالتی است؛ صحیح نیست زیرا اولاً اصل وکالت زیر سؤال است و ثانیاً پشتوانه بودن، مجوزی برای پرداخت سود نیست؛ چراکه طبق فرض، بانک با همین پول اقدام به انجام عقود مشارکت می‌کند. به عبارت دیگر، از آن جا که گفتیم در این حساب‌ها، مشتری به طور دائم به پول خود دسترسی دارد و اساساً پول خود را در قالب پول الکترونیکی در اختیار دارد، این سؤال مطرح می‌شود که پولی که در اختیار خود مشتری بوده، بانک و یا بنگاه اقتصادی دریافت کننده وجوه، چگونه به وسیله آنها فعالیت اقتصادی انجام می‌دهند تا بخواهند سود مشارکت را در اختیار مشتریان بانک قرار دهند؟ آنها از همان پول‌های تحویلی مشتریان که اکنون مالکیت کامل آن‌را در اختیار دارند، اقدام به فعالیت اقتصادی می‌کنند. به عبارت دیگر، پول مشتری به صورت الکترونیکی نزد خودش بوده و پول بانک نیز نزد خودش است و هر کدام به پول خود دسترسی داشته‌اند؛ بنابراین هرگونه پرداختی در قالب سود مشارکت، باطل خواهد بود و مشمول ادله حرمت «کل مال بالباطل» خواهد شد.

آیت الله مکارم شیرازی نیز دریافت سود در مقابل این حساب‌ها را جایز نمی‌داند. اما نه به علتی که تقریر شد بلکه چون ماهیت آن‌ها را قرض می‌داند؛ لذا دریافت مقدار اضافه را جایز نمی‌داند. با این حال، معتقد است که اگر سپرده‌گذار بدون قصد دریافت سود در آن بانک پولی گذاشته باشد و

بانک با میل و رضای خود سودی به او بدهد، شرعاً اشکالی ندارد.^۱ این در حالی است که بیان شد پرداخت و دریافت چنین سودی از مصادیق «اکل مال بالباطل» خواهد بود و بانک از اساس نمی‌تواند در قالب سود، چیزی به مشتریان خود پرداخت کند؛ مگر آنکه در قالب هدیه بپردازد که آن هم نمی‌تواند به نحو درصدی تعیین گردد؛ چراکه در این صورت، فقط اسم آن تغییر کرده و ماهیتاً چیزی جز همان سود نیست.

ممکن است گفته شود که مانند آنچه در حسابهای جاری وجود دارد، بانک می‌تواند دریابد که مشتریان، بخشی از این حساب مثلاً ۲۰ درصد را مورد استفاده قرار نمی‌دهند و لذا عقود سرمایه‌گذاری را در همین بخش انجام می‌دهد؛ سودی به دست می‌آورد و بعد از اتمام دوره معلوم می‌شود که چه کسانی چقدر در حساب پول داشته و شریک بوده‌اند. به عبارتی اگر بانک تغییر رویه دهد و واقعاً از همین منابع، عقود را منعقد و از آن سود دریافت کند می‌تواند سود مشتریان را برحسب نسبت موجودی‌شان توزیع کند. در این صورت چرا چنین سودی اکل مال بالباطل باشد؟ در پاسخ باید گفت چنانکه در مقدمه توضیح داده شد، این تحقیق در مورد موضوعات واقعی و تحقق‌یافته بانکداری موجود است نه آن‌چه بالقوه می‌تواند باشد؛ بنابراین آن‌چه که فعلاً در ساختار بانکداری بدان عمل می‌شود روش دیگری بوده لذا منابعی که صرف عقود بانکی می‌شود با استفاده از منابع دیگر بوده و در نتیجه سود هم باید به همان منابع برگردد. نکته این است که تغییرات تکنولوژیکی مانع از تشکیل چنین سپرده‌ای است و در صورتی که پول الکترونیکی مورد استفاده قرار نمی‌گرفت، تعلق سود به چنین سپرده‌ای مشمول ادله «اکل مال بالباطل» نبود.

حساب‌های کوتاه‌مدت ویژه و بلندمدت

سپرده کوتاه‌مدت ویژه حسابی است که در آن مبلغ سپرده‌گذاری به مدت چند ماه برای مثال سه ماهه یا شش ماهه با هدف سرمای‌گذاری میان‌مدت و برخورداری از سود سپرده‌های مدت‌دار، در بانک گذاشته می‌شود و در این مدت، امکان واریز و برداشت وجود ندارد. سپرده بلندمدت نیز حسابی است که حداقل به یک سال زمان برای دریافت سود قطعی نیاز دارد. در هر دو نوع حساب (کوتاه‌مدت ویژه و بلندمدت)، در صورت برداشت پیش از موعد، با نرخ شکست یا کاهش نرخ سود پرداختی مواجه می‌شوند.

^۱ <https://makarem.ir/ahkam/fa/home/istifta/257489/>

ماهیت حقوقی

چنان‌که به درستی گفته‌اند ماهیت این سپرده‌ها، نوعی مضاربه یا سایر عقود شرعی مانند آن هستند (مکارم شیرازی، ۱۳۹۵: ۱۴۶). با ذکر این نکته که معمولاً به‌طور مطلق از عنوان سپرده‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت استفاده می‌شود که با توضیحاتی که گذشت، روشن شد با این اطلاق نمی‌توان از این عنوان استفاده کرد بلکه باید بین حساب‌های کوتاه‌مدت عادی و ویژه تفاوت ماهوی قائل شد.

حکم پرداخت سود

به شرط رعایت دیگر شروط و صوری نبودن قراردادهای، بسته به قراردادی که دارند، بانک‌ها می‌توانند در قبال آنها سود مشارکت پرداخت کنند؛ زیرا برخلاف حساب‌های کوتاه‌مدت و قرض‌الحسنه جاری، وجوه مشتری در اختیار بانک قرار می‌گیرد و لذا بانک می‌تواند با آنها فعالیت اقتصادی انجام دهد و یا در اختیار فعالین اقتصادی قرار دهد تا در نهایت، سود مشارکتی نیز در اختیار صاحبان این حساب‌ها قرار گیرد؛ بنابراین به نظر می‌رسد در صورت صوری نبودن قراردادهای، برای تعلّق سود به این حساب‌ها، از این جهت مانع خاصی وجود نداشته باشد. البته اگر این حساب‌ها نیز به کارت بانکی وصل شوند، ماهیت حساب جاری پیدا خواهند کرد و همان مباحث در این‌جا نیز جاری می‌شوند. چنان‌که در بسیاری از کشورها، به‌دلیل بانکداری الکترونیک و استفاده زیاد از کارت‌های بانکی و اینترنت، به‌سادگی می‌توان به موجودی شبه پول (سپرده‌های مدت‌دار و پس‌انداز) دسترسی پیدا کرد و لذا امروزه در بسیاری کشورها مرز روشنی میان پول و شبه پول وجود ندارد (میشکین، ۲۰۱۹: ۱۰۷-۱۰۶).

نتیجه‌گیری

با بررسی‌های انجام شده روشن شد که با پیشرفت تکنولوژی باید ماهیت حساب‌های بانکی را مجدداً بررسی کرد و نباید بر همان تفکر سنتی پافشاری نمود؛ لذا با بررسی مجدد ماهیت حساب‌های جاری، کوتاه‌مدت عادی، ویژه و بلندمدت این نتایج به دست آمد که اولاً ماهیت حساب‌های جاری، پول الکترونیکی بوده و در هنگام افتتاح حساب، پول کاغذی یا هر نوع دارایی فیزیکی دیگر پرداخت می‌شود و یک پول الکترونیکی تحویل داده می‌شود. ثانیاً حساب‌های کوتاه‌مدت عادی نیز به دلیل در دسترس بودن کامل آن‌ها به حساب جاری تبدیل شده‌اند و به صرف نامگذاری آن‌ها به حساب‌های کوتاه‌مدت تفاوت واقعی ایجاد نمی‌شود؛ بنابراین دریافت سود از این حساب‌ها، «اکل مال بالباطل» خواهد بود. مگر آن‌که به نحو هدیه باشد که آن هم نمی‌تواند به صورت درصدی بیان شود و باید به‌گونه‌ای باشد که عرفاً هدیه شمرده شود. ثالثاً دریافت سود از

سپرده‌های کوتاه‌مدت ویژه و بلندمدت، به شرط رعایت واقعی قراردادهای بانکی، از این جهت مشکل خاصی ندارند؛ لذا تنها در صورتی می‌توان سود دریافت کرد که مشتری، پول خود را به بانک تحویل دهد و ارتباط آنی با آن نداشته باشد که این حالت فقط در صورت کوتاه‌مدت ویژه و بلندمدت قابل تصور است.

منابع

۱. الانصاری، الشیخ مرتضی (۱۴۱۵ق). کتاب المکاسب، قم: مجمع الفکر الاسلامی، چاپ یازدهم.
۲. الخمینی، السید روح‌الله الموسوی (۱۴۲۱ق). کتاب البیع، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره، چاپ اول.
۳. شبیری زنجانی، سید موسی (۱۴۱۹ق). کتاب نکاح، قم: مؤسسه پژوهشی رای پرداز، چاپ اول.
۴. عبدی‌پور، ابراهیم (۱۳۸۹). تحلیل حقوقی ماهیت پول الکترونیکی، حقوق خصوصی، ۷ (۱۶)، ۵۳-۸۴.
۵. کمیحانی، اکبر، ابریشمی، حمید و روحانی، سید علی (۱۳۹۷). ماهیت بانک و فرایند خلق پول بانکی؛ نقد دیدگاه‌های رایج و دلالت‌ها، دوفصلنامه جستارهای اقتصادی ایران، ۱۵ (۲۹)، ۹-۳۸.
۶. تسخیری، محمدعلی (۱۳۸۰). سپرده‌های بانکی، نشریه فقه اهل بیت، ۷ (۲۵)، ۷۸-۵۹.
۷. مطهری، مرتضی (۱۳۸۵). مجموعه آثار، تهران: انتشارات صدرا، چاپ ششم.
۸. مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۵ق). أنوار الفقاهة: کتاب البیع، قم: انتشارات مدرسه امام امیر المؤمنین علیه‌السلام، چاپ اول.
۹. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۹۵). ربا و بانکداری اسلامی، قم: انتشارات امام علی بن ابیطالب علیه‌السلام، چاپ دوم.
۱۰. موسویان، سید عباس (۱۳۸۳). ارزیابی سپرده‌های بانکی و پیشنهاد سپرده‌های جدید، فصلنامه اقتصاد اسلامی، ۴ (۱۵)، ۳۱-۵۳.
۱۱. هادوی‌نیا، علی‌اصغر (۱۳۷۸). قرض‌الحسنه و آثار اقتصادی آن، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول.
12. Kregel, Jan. (2019). "MMT: the wrong answer to the wrong question." *real-world economics review* 89(3), 85-96.
13. Minsky, H. (1986). *Stabilizing an Unstable Economy*, New Haven, CT: Yale University Press.
14. Mishkin, Frederic S. (2019). "The Economics of Money, Banking and Financial Markets (The Pearson Series in Economics)."
15. Naito, Atsushi. (2020). "Nominality of Money: Theory of Credit Money and Chartalism." *The Review of Keynesian Studies*. Vol. 2, 122-147.
16. <https://www.cbi.ir/showitem/26458.aspx>

-
17. <https://iaif.ir/index.php/fa/pajooohesh/feghh0/estefaat/item/4258-sepordebanki>
 18. <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/90388>
 19. <https://mfef.ir/home/feqh3shahi-4/>
 20. <https://makarem.ir/ahkam/fa/home/istifta/257489/>

